

میراث اتحاد شوروی و مدیریت فرهنگ و هنر در تاجیکستان*

دکتر فرهاد عطایی**

دانشیار و عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۲۴ - تاریخ تصویب: ۸۷/۹/۸)

چکیده

سلطه هفتاد ساله اتحاد جماهیر شوروی بر بخش گسترده‌ای از اوراسیا تجربه‌ای بی‌سابقه در تاریخ بشر به وجود آورد. برای اولین بار در تاریخ، کلیه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و علمی یک امپراتوری در انحصار و اختیار دولت قرار گرفت. برای این کار سامانه‌ای گسترده متشکل از نهادهای گوناگون تأسیس شد و هدایت، برنامه‌ریزی، تأمین بودجه و تعیین محتوای فرهنگ و هنر را بر عهده گرفت. این اقدام مسکو بر مردم منطقه آسیای مرکزی، بخصوص تاجیکان که خود صاحب فرهنگ و هنر و تمدنی غنی در طول تاریخ بودند، تأثیری عمیق داشت. این مقاله به بررسی میراث اتحاد شوروی در آسیای مرکزی، بخصوص تاجیکستان، می‌پردازد و تصویری جامع از چگونگی مدیریت فرهنگ و هنر در گذر از دوران اتحاد شوروی به دوره استقلال به دست می‌دهد. این مقاله حاصل پژوهش میدانی، بازدید از مراکز فرهنگی و هنری منطقه و مصاحبه با دست‌اندرکاران و هنرمندان آن منطقه، در نخستین سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی است.

کلید واژه‌ها

میراث اتحاد شوروی، تاجیکستان، مدیریت فرهنگ و هنر

* با اینکه این پژوهش میدانی ۱۵ سال پیش انجام شده، ولی بدلیل کمبود منابع در این زمینه، از سوی داوران مجله مناسب چاپ تشخیص داده شده است.

مقدمه

اتحاد شوروی پس از هفتاد سال در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی فرو پاشید و جای خود را به مجموعه‌ای از کشورهای مستقل در آسیای مرکزی، قفقاز و شرق اروپا داد. اتحاد شوروی در سراسر دوران جنگ سرد، جایگاهی مهم در عرصه روابط بین‌الملل داشت و به عنوان یکی از دو ابرقدرت نظام دوقطبی در تحولات سیاسی و بین‌المللی جهان تأثیری گسترده داشت. به همین دلیل نیز نظام سیاسی، اقتصادی و سیاست خارجی و امنیتی شوروی مورد توجه و پژوهش محققان و تحلیل‌گران دنیای غرب قرار گرفته است. اما تأثیر سلطه هفتاد ساله اتحاد شوروی بر بخش وسیعی از اوراسیا بسیار فراتر از ابعاد سیاسی و اقتصادی است و کلیه جنبه‌های حیات مردم این منطقه وسیع را شامل می‌شده است. یکی از موضوع‌های مهم دوران اتحاد شوروی که در خارج از بلوک شرق بدان توجه نشده مدیریت فرهنگ و هنر در این امپراتوری بوده است.

طی هفتاد سال سلطه نظام سوسیالیستی اتحاد شوروی، دولت مرکزی، مدیریت و اجرای کلیه فعالیت‌های فرهنگی و هنری را در سراسر این امپراتوری وسیع در اختیار و انحصار داشت و از این نظر تجربه‌ای بی‌سابقه در تاریخ بشر به وجود آورد. در تاریخ سابقه نداشت که دولتی در گستره‌ای چنین وسیع تمام جنبه‌های فعالیت‌های فرهنگی و هنری شامل برنامه‌ریزی، تأمین بودجه، نظارت، تعیین محتوی و ارزشیابی و ارتقای اهل هنر را در انحصار خود داشته باشد. از این نظر مطالعه این تجربه و بررسی و ارزیابی عملکرد و اثرات آن ضروری و آموزنده است.

منطقه آسیای مرکزی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی پنج جمهوری نو استقلال ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان را شامل می‌شود، به طور مستقیم از این تجربه هفتاد ساله شوروی تأثیر پذیرفته و فرهنگ و هنر آن دستخوش تحولات گسترده شده است. در این میان، تاجیکستان فقیرترین جمهوری بازمانده از اتحاد شوروی در آسیای مرکزی، یکی از غنی‌ترین آنها از نظر فرهنگی و هنری است. آسیای مرکزی از دیرباز یکی از مهم‌ترین مراکز تمدنی و فرهنگی بشر به شمار می‌آمده است و تاجیکان (ایرانیان) سهم اصلی در ایجاد و گسترش این فرهنگ و تمدن داشته‌اند.

از همین رو مطالعه فرهنگ آنان و اثرات سیاست فرهنگی مسکو در دوران اتحاد شوروی بر وضعیت فرهنگ و هنرشان اهمیتی خاص دارد. این مقاله، حاصل پژوهشی است درباره میراث

اتحاد شوروی در تاجیکستان و اثرات سیاست‌های فرهنگی مسکو بر آن. بخش اصلی این پژوهش حاصل بازدید مستقیم از فعالیت‌های فرهنگی و هنری این جمهوری نواستقلال، جمع‌آوری داده‌ها و انجام مصاحبه با دست‌اندرکاران و اهل فرهنگ و هنر این کشور در دوران گذر پس از فروپاشی شوروی است.

پس از مروری بر گذشته آسیای مرکزی از دیدگاه اجتماعی، فرهنگی و تمدنی، به ساختار مدیریت فرهنگ و هنر در اتحاد شوروی اشاره می‌شود و سپس نهادهای مختلف مربوط در تاجیکستان بررسی شده و در خاتمه تلاش شده است یک ارزیابی از وضعیت فرهنگ و هنر در تاجیکستان و اثرات سلطه هفتاد ساله اتحاد شوروی بر آن ارائه شود.

سامانه‌ای فراگیر برای انجام این پروژه بی‌سابقه در سراسر اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شد. یک ویژگی مهم این سامانه یکسانی آن با نهادهایی مشابه در هر جمهوری و کنترل مرکزی مسکو بود. این امر به دلیل اهمیت فرهنگ و هنر در رهنامه* مارکسیست لنینیست بود که تلاش می‌کرد عناصر نامطلوبی را که منشأ گرایش‌ها و رفتارهای بورژوازی هستند، حذف کند. این رهنامه نقش قاطع دولت را در هدایت فعالیت‌های فرهنگی الزامی می‌دانست. دولت از فعالیت‌های فرهنگی و هنری، حمایتی قابل ملاحظه می‌کرد. این حمایت کلی بود. هم فرهنگ و هنر غربی و هم فرهنگ و هنر بومی را در بر می‌گرفت.

موسیقی کلاسیک، اپرا، باله، تئاتر و سینمای غربی در دهه ۱۹۳۰ به منطقه آورده شد. دانشجویان به هنرستان‌های موسیقی مسکو، لنینگراد و کیف اعزام شدند و یا زیر نظر استادان روس در جمهوری‌های خودشان تعلیم یافتند (کاسینف، ۱۳۷۳). فرهنگ و هنر بومی نیز مورد توجه قرار گرفت. فولکلور به طوری نظام‌مند مطالعه می‌شد و آوازه‌ها و رقص‌های سنتی به طور حرفه‌ای ضبط و اجرا می‌شد. رقص‌پردازی روسی در رقص‌های سنتی وارد شد و عناصری از موسیقی غربی مانند ارکستراسیون و هارمونیزه کردن نیز در موسیقی سنتی تلفیق شد.

در این میان یک استثناء وجود داشت؛ هنر مذهبی به شدت مورد مخالفت قرار گرفت. بنابراین، در دوران شوروی خوشنویسی، معماری اسلامی و نگهداری بناهای تاریخی که ارزش مذهبی داشت، به شدت تضعیف شد. علاوه بر این، تغییر الفبا به سیریلیک در دهه

۱۹۳۰ ضربه شدیدی به زبان‌ها و ادبیات مردم آسیای مرکزی وارد کرد و در نهایت منجر به تضعیف این زبان‌ها شد (رحمان، ۱۳۷۵).

هنرمندان به عنوان نخبه در جامعه

اتحاد شوروی زیرساختاری مستحکم و ضوابطی خاص برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری ایجاد کرد. بنابراین ضوابط، هنرمندان حرفه‌ای از زندگی مرفهی بهره‌مند بودند. دولت به عنوان حامی اصلی فعالیت‌های هنری به آنان کار سفارش می‌داد و به آنها با پرداخت فوق‌العاده، تعطیلات در استراحتگاه‌های ساحلی و مسافرت در اتحاد شوروی و خارج آن، پاداش می‌داد. روشن است که تولید هنری هماهنگ با مرام حکومت، پیش‌شرط دریافت چنین مزایایی بود. یک عنصر بسیار مهم این سامانه، امنیت شغلی هنرمندان بود. این امر آنها را از دغدغه بیکاری و نگرانی سال‌های بازنشستگی آزاد می‌کرد. در این نظام، هنرمندان برجسته عنوان‌های افتخاری دریافت می‌کردند. این عناوین علاوه بر وجهه اجتماعی، حقوق و امکاناتی اضافی برای آنها به همراه داشت. عنوان‌های افتخاری شامل این موارد بود: هنرمند برجسته جمهوری، هنرمند خلق جمهوری و هنرمند خلق اتحاد شوروی.

با فروپاشی اتحاد شوروی، عنوان سوم موضوعیت خود را از دست داده است. اما سایر عنوان‌ها هنوز به هنرمندان شایسته اهدا می‌شود. نحوه انجام آن بدین طریق است که هر سال گروه‌های هنری (ارکسترها، تئاترها و غیر آن) یک یا چند تن از اعضای خود را برای این کار نامزد می‌کنند. پس از تأیید اتحادیه هنرمندان، فهرست پیشنهادی به وزارت فرهنگ فرستاده می‌شود. نامزدها توسط وزارتخانه به دفتر رئیس‌جمهور که عناوین را اعطا می‌کند معرفی می‌شوند. از نویسندگان و شاعران برجسته نیز به همین ترتیب تقدیر می‌شود.

ذهنیت برادر بزرگ‌تر

در اتحاد شوروی، به مدت هفتاد سال هنرمندان در سامانه‌ای می‌زیستند که در آن دولت در جایگاه «برادر بزرگ‌تر» قرار داشت. برادر بزرگی که خانه، پول و امنیت شغلی را برای آنها فراهم می‌کرد. برادر بزرگ‌تر بود که مسئولیت برنامه‌ریزی، تنظیم بودجه و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی و هنری را بر عهده داشت. با فروپاشی اتحاد شوروی این حمایت از بین

رفت و روزگار تورهای کنسرت و تبادل خوانندگان، رقصندگان و نویسندگان که به طور سنتی با حمایت مالی مسکو تنظیم می‌شد گذشت. در کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، مسئولیت مدیریت امور فرهنگی و هنری بر عهده رهبری سیاسی کشور است. زیرساختارها و مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز وجود دارد، اما نبود هماهنگی مرکزی و حمایت مالی، تأثیر مخربی بر جامعه هنری داشته است.

بیش از یک صد نفر از هنرمندان، نویسندگان، مقامات رسمی درگیر فعالیت‌های فرهنگی و مردم عادی که در جریان این پژوهش با آنها مصاحبه شده است، همه به لزوم ایفای نقش برادر بزرگ‌تر از سوی دولت اعتقاد داشتند. آنان به دلیل از بین رفتن امنیت و حمایتی که از طرف مسکو فراهم می‌شد ناراضی هستند و به وضوح می‌توان در سخنان آنان احساس نوستالژی «روزهای خوش گذشته» را مشاهده کرد.

گذر به اقتصاد بازار

از بین رفتن ناگهانی زندگی فرهنگی و هنری تنها به دلیل حذف نقش مسکو نیست. انتقال به اقتصاد سرمایه‌داری و سامانه بازار آزاد این وضعیت را تشدید کرده و ابعادی بحرانی به آن داده است. در بیشتر کشورهای نواستقلال، اقتصاد در وضعیت بسیار بدی قرار دارد. تولید صنعتی و کشاورزی سقوط کرده است، تورم به سرعت قدرت خرید مردم را می‌بلعد و بیکاری به طور هشداردهنده‌ای در حال افزایش است.

این موضوع منجر به تحلیل رفتن منابعی که دولت‌های جدید در اختیار دارند شده است. تغییری در تعهد دولت به حمایت از فرهنگ و هنر ایجاد نشده است، اما وضع حاضر با زمانی که این دولت‌ها حمایت و منابع مالی مسکو را داشتند قابل مقایسه نیست (قائم دادف، ۱۳۷۲).

نهادهای عمده فرهنگی - هنری

فعالیت‌های فرهنگی و هنری در نهادهای مختلفی انجام می‌شود که مهم‌ترین آنها فیلامونی، رادیو و تلویزیون دولتی، خانه فرهنگ، اتحادیه‌های نویسندگان و هنرمندان، فرهنگستان علوم، کتابخانه‌های عمومی و موزه‌ها است. وزارت فرهنگ و کمیته‌های اجرایی هر

شهر و روستا، به ترتیب مسئولیت مدیریت چنین فعالیت‌هایی را در سطوح خرد و کلان بر عهده دارند.

الف- وزارت فرهنگ

وزارت فرهنگ مهم‌ترین نهاد درگیر فعالیت‌های فرهنگی و هنری است. این وزارت مسئولیت برنامه‌ریزی، تعیین بودجه، مدیریت و هماهنگی همه فعالیت‌های این چنینی را بر عهده دارد. به دلیل نبود بخش خصوصی، این وزارتخانه کارفرمای اصلی هنرمندان است (طالب، ۱۳۷۲). از زمان استقلال، در برخی از جمهوری‌ها فعالیت‌های خاصی در بخش خصوصی تجربه شده است.

البته این به هیچ وجه به یک هنجار بدل نشده است و چنین فعالیت‌هایی تا مدت‌ها در اختیار دولت باقی خواهد ماند. در روستاها و شهرهای کوچک نوازندگان، رقصندگان و هنرمندان غیرحرفه‌ای حضور دارند، اما حتی فعالیت آنها نیز به وسیله دولت تسهیل و پشتیبانی می‌شود.

پیش از استقلال، وزارتخانه‌های هر جمهوری به عنوان شاخه‌هایی از وزارت فرهنگ اتحاد شوروی عمل می‌کردند. بیشتر کار برنامه‌ریزی، تنظیم بودجه و هماهنگی در مسکو انجام می‌شد، اما از زمان فروپاشی، این مسئولیت‌ها بر عهده وزارت فرهنگ هر جمهوری قرار گرفته است. استقلال، پشتیبانی مسکو را متوقف کرده و منجر به کاهش میزان هماهنگی بین جمهوری‌ها شده است.

وزارت فرهنگ چندین اداره کل دارد که مسئولیت نظارت و مدیریت بخش گسترده‌ای از فعالیت‌ها را بر عهده دارند. به طور معمول وزارت فرهنگ بخش‌هایی دارد که مسئول تولیدات مردمی (صنایع دستی و هنرهای سنتی که در شهرها کوچک و روستاها تولید می‌شوند)، موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی، پارک‌های تفریحی، ارکسترها و گروه‌های رقص‌اند.

ب- فیلامونی دولتی

فیلامونی دولتی، نهادی منحصر به فرد است که در سراسر اتحاد شوروی تأسیس شده بود و ارکسترها، گروه‌های هم‌نوازان موسیقی و گروه‌های رقص سنتی و غربی را در خود جای

داده بود. فیلامونی دولتی، همچنان مرکز اصلی اجرای هنرهای نمایشی است. فیلامونی به طور معمول در ساختمانی مجلل در پایتخت قرار دارد و امکانات و تجهیزات لازم برای تمرین و نمایش دارد.

ج- رادیو و تلویزیون دولتی

رادیو و تلویزیون دولتی، جایگاهی حساس در اتحاد شوروی داشت و به عنوان ابزاری گرانبها در دست دولت عمل می‌کرد و برای شکل دادن به افکار عمومی و اثربخشی بر فرهنگ مردم استفاده می‌شد. رادیو و تلویزیون دولتی اکثر جمهوری‌ها، ارکستر و گروه‌های رقص اختصاصی دارند که برخی اوقات کنسرت‌های زنده‌ای اجرا می‌کنند. به دلیل اهمیت این نهاد، رادیو و تلویزیون دولتی همواره از وزارت فرهنگ مستقل بود و به طور مستقیم زیر نظر و کنترل شورای عالی اداره می‌شد و بودجه خود را از تشکیلات نظامی و مخابرات دریافت می‌کرد. همچنین رئیس رادیو و تلویزیون دولتی، جایگاه یک وزیر را داشت (بکت آوا، ۱۳۷۳). همراه با رشد سریع فناوری ارتباطات و گسترش شبکه جهانی ماهواره‌ای، نقش رسانه‌های الکترونیک در تأثیرگذاری فرهنگ حتی از این نیز بیشتر خواهد شد.

د- فرهنگستان علوم و دانشگاه‌های دولتی

در حالی که دانشگاه‌های دولتی به طور اساسی مسئولیت آموزش را بر عهده دارند، فرهنگستان در زمینه‌های گوناگون تحقیق می‌کند. هر دوی این نهاد در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته‌اند. اما تمرکز ما بر بخش‌هایی است که در زمینه مطالعات فولکلور، زبان‌ها و ادبیات فعالیت می‌کنند.

ه- اتحادیه نویسندگان و هنرمندان

این اتحادیه‌ها بخشی از دولت بودند که نقش مهمی در تنظیم فعالیت‌ها و زندگی جامعه هنری و ادبی ایفا می‌کردند. نقش دوگانه اتحادیه به عنوان مدافع جامعه ادبی و هنری و عامل سانسور دولتی، بخصوص جالب توجه است. در دوران پس از شوروی، این اتحادیه‌ها در هر جمهوری، نهادی قدرتمند باقی مانده و به احتمال زیاد تا مدت‌ها همین طور باقی خواهد بود (شکورف، ۱۳۷۲).

و- خانه‌های فرهنگ

خانه‌های فرهنگ، سنگ بنای سیاست فرهنگی شوروی بود. این خانه‌ها در هر شهر و روستایی به عنوان مرکزی برای گردهمایی‌ها و دیدارهای اجتماعی و مکانی برای برگزاری فعالیت‌های مورد حمایت دولت ایجاد شد. خانه‌های فرهنگ از نظر اندازه و ارائه خدمات با یکدیگر متفاوت بودند. یک خانه فرهنگ یک یا چند تالار گردهمایی برای اجراکنندگان غیرحرفه‌ای، یک یا چند اتاق ملاقات، یک مرکز آموزش حرفه‌ای و یک کتابخانه دارد. در روستاها، بازیگران و نوازندگان غیرحرفه‌ای می‌توانند برای اجرای نمایش خود در خانه فرهنگ، سازهای موسیقی و لباس‌های مورد نیاز خود را امانت بگیرند.

نگاهی به گذشته فرهنگی منطقه

الف- آسیای مرکزی پیش از سلطه روس‌ها

آسیای مرکزی قرن‌ها یکی از مراکز اصلی تمدن انسانی و نقطه ارتباطی در تجارت بین‌المللی بود. آسیای مرکزی به تاریخ درخشان و میراث ارزشمند فرهنگی خود می‌بالد. در قرن ششم پیش از میلاد، بخش بزرگی از منطقه تحت کنترل امپراتوری قدرتمند ایرانی و اشکانی قرار داشت. اسکندر در قرن چهارم پیش از میلاد، آسیای مرکزی را فتح کرد و حکمرانی یونانیان را که یک قرن به طول انجامید، در آن بنا نهاد. از قرن سوم پیش از میلاد تا قرن سوم میلادی، سلسله‌های مختلفی در آسیای مرکزی حکمرانی کردند. در این دوره، جریان فرایندی که ویژگی آن تعامل نزدیک با فرهنگ و هنر مردم همسایه این منطقه بود، فرهنگ و هنر آسیای مرکزی به جایگاهی درخشان دست یافت.

فروپاشی امپراتوری‌های کهن آسیای مرکزی در قرن‌های چهارم و پنجم میلادی و موج‌های مهاجرت چادرنشینان شمالی، به ایجاد سامانه اجتماعی و سیاسی جدیدی در منطقه منجر شد. کوتاهی در اتحاد سیاسی بین قبیله‌های گوناگون، زمینه را برای فتح آسیای مرکزی به دست اعراب در قرن‌های هفتم و هشتم میلادی فراهم کرد و ظهور اسلام به عنوان مذهب مسلط، تأثیر عمیقی بر مردم منطقه به جا گذارد. آنها نه تنها اسلام را پذیرفتند، بلکه نقش مهمی را در توسعه و گسترش فرهنگ اسلامی ایفا کردند. در طول قرن‌های نهم و دهم میلادی، سلسله‌های محلی آسیای مرکزی و غرب ایران اگرچه به نام خلیفه حکمرانی می‌کردند، اما در عمل به طور

کامل از آن مستقل بودند. قرن یازدهم شاهد نفوذ قبایل ترک به آسیای مرکزی و ایجاد سلسله‌های ایرانی-ترکی بود. بین قرن دهم و دوازدهم، هنر آسیای مرکزی تحولی بنیادین را تجربه کرد. با پیشرفت و توسعه نقاشی و مجسمه‌سازی، سنت‌های کهن کنار گذاشته شد. هنرهای تزئینی در طول قرن یازدهم رونق یافت و به آرامی هنر اسلامی را زیر سلطه در آورد. در همین دوره بود که شهرهایی مانند سمرقند و بخارا و مرو ظهور یافتند و تبدیل به مراکز مهم تمدنی شدند (Lapidus, 1989, pp. 414-415).

در سال ۱۲۳۶ اولان باتو، استپ‌های نیمه خشک شمال دریاچه‌های بالخاش، آرال و خزر و دریای سیاه را فتح و قبایل ترک و مغول این منطقه گسترده را با یکدیگر متحد کرد. امپراتوری ترکی-مغولی اردوی زرین تا میانه قرن پانزدهم بر منطقه حکومت کرد. قبایل صحراگرد استپ‌های شرق دریای خزر و منطقه اورال تا تین شیان و کوهستان‌های آلتای، دو کنفدراسیون عظیم را بنا نهادند. ازبک‌ها با رهبری خاندان شیبانی تبدیل به نیروی سیاسی قدرتمندی شدند و زبان و هویت قومی ازبک را توسعه دادند. در منطقه شمال دریاچه‌های آرال و خزر، قزاق‌ها کنفدراسیون دیگری را ایجاد کردند.

از قرن دهم تا شانزدهم میلادی، خوارزم، ماوراءالنهر و دره فرغانه به ترتیب زیر حاکمیت قراخانی‌ها، مغول‌ها، جغتایی‌ها و تیموریان قرار داشت. در دوره تیموریان، در اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم، فرهنگ و هنر آسیای مرکزی به اوج خود رسید. در قرن شانزدهم، هنگامی که شیبانی‌ها (۹۸-۱۵۰۰) منطقه را زیر سلطه خود در آوردند، تاریخ آسیای مرکزی ارتباط نزدیکی با ایران داشت. با این حال، به قدرت رسیدن سلسله صفویه در سال ۱۵۰۱ میلادی در ایران تبدیل به نقطه عطفی در تاریخ آسیای مرکزی شد. پذیرش تشیع به عنوان مذهب دولتی صفویان، آنها را در تقابل با شیبانی‌های سنی قرار داد (Lapidus, 1989, pp. 420-426).

جاده ابریشم قرن‌ها از آسیای مرکزی می‌گذشت. شهرهایی مانند سمرقند و بخارا، مراکز تجاری مهمی بودند که کاروان‌های ابریشم، طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی از آنها عبور می‌کردند. در استپ‌های شمالی، قبایل ترکی-مغولی نیز از تجارت نفع می‌بردند و امنیت عبور کاروان‌ها را فراهم می‌کردند. دشمنی میان صفویان و شیبانی‌ها تجارت کهن راه ابریشم را متوقف کرد و ماوراءالنهر یک بار دیگر به حوزه آسیای مرکزی ملحق شد.

پس از شیپانی‌ها، آستاراخانی‌ها (۱۷۸۵-۱۵۹۹) و منگیت‌ها (۱۹۲۰-۱۷۸۵) تیول خود را در منطقه بنا نهادند. در دوران آستاراخانی‌ها مدارس جدیدی در سمرقند و بخارا ساخته شد و در قرن ۱۹، نوزایی فرهنگی ماوراءالنهر رخ داد. خان‌نشین‌های فرغانه و خوارزم قبایل ازبک، قزاق و قرقیز را شکست دادند و پایتخت جدیدی را در خوقند تأسیس کردند. بخارا، خیوه و خوقند با اقتصادی که بر اساس کشاورزی آبیاری و تجارت شکل گرفته بود، تبدیل به مراکز درخشان جامعه مسلمان شدند. درگیری‌های مستمر داخلی در طول قرن نوزدهم، آسیای مرکزی را به طعمه قابل دسترسی برای نیروهای تزاری بدل کرد. تاشکند در ۱۸۶۶، خوقند در ۱۸۶۷ و سمرقند در ۱۸۶۸ سقوط کرد (Lapidus, 1989, pp. 426-435).

ب- آسیای مرکزی زیر سلطه تزارها

روس‌ها منطقه را به دو استان بزرگ* تقسیم کردند. در ۱۱ ژوئیه ۱۸۶۷ تزار فرمان ایجاد استان ترکستان را که شامل خوارزم، ماوراءالنهر و فرغانه می‌شد، امضا کرد. منطقه جنوب شرقی خزر که ساکنان آن را قبایل ترکمن تشکیل می‌دادند، در دهه ۱۸۸۰ به قلمرو روسیه ضمیمه و با استان ترکستان ادغام شد. سال بعد دشت‌های بین سیبری، دریای آرال و دریاچه بالخاش، استان جداگانه‌ای را تشکیل دادند (Lewis and Others, 1975, pp. 288-293). به نظر می‌رسد سیاست روس‌ها در ترکستان به دخالت محدود در نهادهای محلی محدود می‌شد. با این حال، در استپ‌های شمالی مقامات تزاری تلاش می‌کردند تا ساختار جامعه سنتی قزاق را از بین ببرند و ساخت راه‌آهنی که انتقال سربازان و حمل و نقل کالا در آسیای مرکزی را تسهیل می‌کرد، مورد توجه قرار گرفت. این خط آهن که خزر را به عشق‌آباد متصل می‌کرد، در سال ۱۸۸۸ تکمیل شد. مرو در سال ۱۸۸۴، سمرقند در سال ۱۸۸۸ و تاشکند نیز در سال ۱۸۸۹ به این خط متصل شد. آخرین دهه‌های قرن نوزدهم، شاهد امواج پیاپی مهاجرت روس‌ها به منطقه، بخصوص به استپ‌های شمالی بود.

در سال ۱۸۶۰، بیش از ۲/۵ میلیون قزاق، ۳۰۰ هزار قرقیز و ۳۰۰ هزار ترکمن در منطقه سکونت داشتند. حدود ۳/۵ میلیون ازبک و تاجیک نیز در خیوه، بخارا، سمرقند، خوقند و فرغانه زندگی می‌کردند. جمعیت منطقه در سال ۱۸۸۹ به ۶ میلیون نفر رسید. بر اساس سرشماری

سال ۱۸۸۷، ترکستان (بدون بخارا و خیوه) جمعیتی ۵/۲۵ میلیون نفری داشت. در سال ۱۹۱۴ این رقم به ۶/۷۵ میلیون نفر رسید. در همین سال جمعیت ترکستان (شامل بخارا و خیوه) ۱۱/۲۵ میلیون نفر بود. تاشکند پایتخت استان ترکستان، با جمعیت ۱۲۰ هزار نفری خود در سال‌های پایانی قرن نوزدهم، بزرگ‌ترین شهری بود که در آسیای مرکزی زیر نظر و کنترل تزارها قرار گرفت.

ج- آسیای مرکزی زیر نظر و کنترل کمونیست‌ها

در جریان انقلاب ۱۹۱۷ مردم آسیای مرکزی نتوانستند خود را از سلطه روس‌ها خارج کنند. ارتش سرخ به سرعت اقتدار روس‌ها را در منطقه احیا کرد. دولت‌های خودمختار خودخوانده آسیای مرکزی، اندکی پس از ظهورشان درهم کوبیده شدند و در سال‌های پایانی دهه ۱۹۲۰ جمهوری‌های جدید مردمی شکل گرفت. در جریان تصفیه‌های دهه ۱۹۳۰، رهبران ملت باور محاکمه و اعدام شدند. رژیم کمونیست از سیاستی پیروی می‌کرد که در تلاش از بین بردن نهادهای سنتی و مذهبی، برای فراهم کردن عرصه برای بنا نهادن یک سامانه اجتماعی - سیاسی کلی در اتحاد شوروی بود. جوامع «ملحدان»^{*} به جای گروه‌ها و نهادهای مذهبی تأسیس شد. مساجد تبدیل به باشگاه‌ها و سینماها شدند و در دهه ۱۹۴۰ از بیش از ۲۷ هزار مسجد منطقه، فقط هزار مسجد باقی ماند.

طی قرن‌ها، زبان فارسی، زبان اداری و ادبی این منطقه گسترده و زبان مردم تاجیک بود، اما اکثریت مردم به زبان‌های ترکی - آلتایی سخن می‌گفتند. الفبای عربی در سراسر آسیای مرکزی استفاده می‌شد. در سال ۱۹۲۵، این الفبا ابتدا به لاتین و سپس به سیریلیک تغییر یافت. بر اساس سیاست روسی‌سازی، زبان روسی به عنوان زبان اداری اعلام شد. آموزش اجباری با الفبای سیریلیک در سال ۱۹۲۲ آغاز شد. انتخاب الفبای سیریلیک، پیوندهای آسیای مرکزی را با تاریخ و فرهنگ مکتوب آن قطع کرد. این موضوع منجر به تحلیل رفتن زبان‌های آسیای مرکزی شد و آنها را به عنوان زبان محاوره روزمره پایین آورد. همراه با در پیش گرفتن سیاست‌های آزادتر فرهنگی پس از جنگ جهانی دوم، برخی فعالیت‌های مذهبی که زیر نظر و کنترل دولت انجام می‌گرفت، تحمل می‌شد.

تاجیکستان و میراث اتحاد جماهیر شوروی

انحلال اتحاد شوروی تأثیر بسیاری بر زندگی مردم آسیای مرکزی داشته، اما هیچ منطقه‌ای به اندازه تاجیکستان تخریب نشده است. جنگ داخلی که اندکی پس از استقلال آغاز شد، منجر به از همپاشی جامعه و تعمیق بحران اقتصادی و تهدید جدی فعالیت‌های فرهنگی شد. هزاران نفر از نویسندگان و هنرمندان کشته شدند، خانه‌شان را از دست دادند یا به کشورهای دیگر مهاجرت کردند.

آنهایی که در این کشور باقی ماندند نیز در وضعیتی غیرقابل تحمل زندگی می‌کنند. سلطه روسیه بر آسیای مرکزی و سیاست کمونیست‌ها برای تغییر الفبا در سال ۱۹۲۹، دسترسی مردم به میراث فرهنگی مکتوب خود را قطع کرد و اعلام زبان روسی به عنوان زبان رسمی، زبان مردم تاجیک را بیش از پیش تضعیف کرد. امروزه، یک تاجیک هر گاه در یک بحث فکری و علمی جدی وارد می‌شود باید به زبان روسی متوسل شود. با این حال، به دلیل تأثیر عمیق زبان فارسی، بخصوص ادبیات شفاهی و شعر آن، این زبان همچنان عنصر قدرتمندی از هویت و فرهنگ تاجیک است.

الف- وزارت فرهنگ تاجیکستان

وزارت فرهنگ، مسئولیت هدایت و مدیریت اکثر فعالیت‌های فرهنگی را بر عهده دارد. تئاترها، باله‌ها، اپراها، ارکسترها، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، پارک‌های تفریحی و مؤسسه‌های باستان‌شناسی حرفه‌ای، همانند مراکز فرهنگی غیرحرفه‌ای استان‌ها زیر نظر این وزارتخانه قرار دارد. بخشی از پول مورد نیاز برای فعالیت‌های هنری از کمیته‌های اجرایی شهرها و استان‌ها که بودجه خود را از شورای وزیران دریافت می‌کنند، تأمین می‌شود. پارک‌های تفریحی تا ۷۰ درصد بودجه خود را تأمین می‌کنند. تا ۲۵ درصد از بودجه ملی صرف فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی (دانشگاه‌ها، موزه‌ها، تئاترها و غیر آن) می‌شود. این مبلغ شامل پولی که از طرف کمیته‌های اجرایی برای شهرهای کوچک و بزرگ هزینه می‌کنند، نمی‌شود.

سی نفر از پنجاه و پنج نفری که در استخدام وزارت فرهنگ هستند را هنرمندان تشکیل می‌دهند. وزارت فرهنگ بخش‌های مجزایی دارد که شامل اداره حفظ آثار تاریخی و فرهنگی و «مرکز تولیدات مردم» (مانند صنایع دستی، آثار هنری و موسیقی) می‌شود. وزارت فرهنگ

همچنین مالک شرکت‌ها و کارگاه‌های تولیدی نیز هست که یکی از آنها تولیدکننده سازهای موسیقی است. بسیاری از این شرکت‌ها در گذشته زیر نظر وزارت صنایع سبک و خدمت‌رسانی معیشتی که مالک کارگاه‌های فرش‌بافی و کارخانه‌های کوچک دیگری بود، قرار داشت (طالب، ۱۳۷۲).

ب- مرکز تولیدات مردم

در نظام سابق، این مرکز بخشی از سازمانی بود که مرکز آن در مسکو قرار داشت و در کل اتحاد شوروی دارای ۹ شعبه بود. این مرکز در تاجیکستان در اول ژانویه ۱۹۹۳ تبدیل به مرکز تولیدات مردمی شد. این مرکز که به طور اساسی نقشی مشورتی و حمایتی دارد و تنها با فعالیت‌های غیرحرفه‌ای در ارتباط است، سه بخش دارد:

بخش فعالیت‌های فرهنگی و سرگرمی، بخش صنایع دستی و فعالیت‌های هنری مردم و بخش انتشارات. بخش فعالیت‌های «فرهنگی و فراغتی» مسئولیت پارک‌های تفریحی (باغ‌های فراغتی) را بر عهده دارد. وظیفه آن شامل مدیریت وسایل سرگرمی و برگزاری جشنواره‌ها در این پارک‌ها است (رجب اف، ۱۳۷۲).

این پارک‌ها به طور معمول به وسیله کمیته اجرایی شهرداری‌ها مدیریت می‌شود. بخش صنایع دستی و فعالیت‌های هنری مردم چهار شاخه است: موسیقی، رقص، فعالیت‌های تئاتری (سیرک، تئاتر سنتی و روایت داستان‌های فولکلور) و هنرهای گرافیک (مانند نقاشی، عکاسی و طراحی). این مرکز در محدوده گسترده‌ای از فعالیت‌ها مشارکت دارد (طالب، ۱۳۷۲).

در دوره اتحاد جماهیر شوروی، این مرکز در این کشور کوهستانی، متخصصانی را برای ضبط نغمه‌ها و رقص‌های محلی به استان‌ها و مناطق گوناگون می‌فرستاد. نوارها در مرکز، مطالعه و تحلیل می‌شد. این مرکز بر اساس این نوارها ادبیات آموزشی را درباره لباس‌ها، موسیقی و رقص محلی منتشر می‌کرد و آنها را در اختیار موسیقی‌دانان، رقصندگان و هنرمندان غیر حرفه‌ای علاقمند قرار می‌داد. می‌شود گفت انتشار این آثار، به دلیل ضعف مالی، به طور کامل متوقف شده است. این مرکز رابطه کاری با فرهنگستان و مدرسه هنرهای زیبای دوشنبه دارد. آنها سمینارهای مشترکی را برای مدیران خانه‌های فرهنگ برگزار می‌کنند. منطقه خودمختار بدخشان یک مرکز مستقل دارد (رجب زاده، ۱۳۷۲).

پ- خانه‌های مدنیت (فرهنگ)

مرکز تولیدات مردمی در هر پانزده منطقه و استان کشور بر فعالیتهای خانه‌های فرهنگ نظارت دارد و با آنها در ارتباط است، اما شعبه‌ای در این مناطق و استان‌ها ندارد. یک خانه فرهنگ، مرکزی برای فعالیتهای هنری غیرحرفه‌ای، فعالیتهای اجتماعی و مرکزی برای آموزش حرفه‌ای است. یک خانه فرهنگ به طور معمول یک تالار اجتماعات، یک یا چند اتاق برای جلسات و تسهیلاتی برای آموزش حرفه‌ای و سایر فعالیتهای اجتماعی دارد. خانه‌های فرهنگ لباس، سازهای موسیقی و تسهیلات مورد نیاز هنرمندان غیر حرفه‌ای محلی را در اختیار آنها قرار می‌دهند. برخی اوقات از هنرمندان حرفه‌ای برای آموزش غیرحرفه‌ای‌های محلی دعوت می‌شود.

ت- ارکستر رادیو و تلویزیون

سازمان رادیو و تلویزیون تعدادی از بهترین گروه‌های رقص و موسیقی منطقه را در اختیار دارد. به طور تقریبی همه خوانندگان، نوازندگان، رقصندگان و آهنگسازان رادیو و تلویزیون تحصیلات رسمی در زمینه موسیقی یا رقص دارند. اکثر آنها فارغ‌التحصیلان مدرسه موسیقی دانشگاه دوشنبه‌اند (مدرسه‌ای ۵ ساله که بخشی هم برای موسیقی فولکلور و سنتی دارد). همچنین برخی از آنها در هنرستان‌های مسکو، سنت پترزبورگ یا کیف آموزش دیده‌اند (عثمانف، ۱۳۷۲). همه گروه‌ها با محدودیت مالی فعالیت می‌کنند. در گذشته، اکثر سازهای موسیقی از سایر جمهوری‌های اتحاد شوروی یا اروپا وارد می‌شد. امروزه، خرید این سازها نیازمند هزینه گزافی است که قابل دسترسی نیست. تجهیزات الکترونیکی که در گذشته از مسکو وارد می‌شد دیگر به کشور نمی‌رسد. همه تجهیزات قدیمی موجود در استودیوها در جریان جنگ داخلی آسیب‌دیده یا به غارت رفته است. این گروه‌های رقص و موسیقی در رادیو و تلویزیون تاجیکستان فعالیت دارند: گروه‌های موسیقی فضل‌الدین شهاب، ارکستر سازهای ملی، گروه رقص ملی زیبا، گروه رقص جهان‌آرا، گروه رقص فولکلور دریا.

ث- گروه موسیقی فضل‌الدین شهاب

این گروه که در سال ۱۹۶۱ تشکیل شد، «موسیقی کلاسیک» تاجیکستان، شش مقام، را اجرا کرده است. (موسیقی تاجیک، موسیقی دستگاهی است و در شش مقام، راست، بوزروک،

نوا، دوگاه، سه گاه و عراق نواخته می‌شود). آوازاها از اشعار کلاسیک فارسی انتخاب می‌شوند. گروه، روزهای بهتر خود را پشت سر گذارده است. این گروه در میان اعضای خود اساتیدی چون شاه‌نظر و سیف‌الدین را دیده است. استادان بزرگ از بین تاجیک‌های ساکن بخارا در ازبکستان و دوشنبه می‌آمدند. در حال حاضر، در حالی که تصویر استادان بر دیوارهای استودیوهای رادیو و تلویزیون آویخته شده است، آنها یا فوت کرده‌اند یا به اسرائیل، اروپا یا ایالات متحده مهاجرت کرده‌اند. این موضوع بر کیفیت کار گروه تأثیر داشته است.

ج- ارکستر سازهای ملی

ارکستر سازهای ملی در سال ۱۹۳۸ تشکیل شد. این گروه که در ابتدا یک گروه موسیقی فولکلور بود، به واسطه تلاش‌های استادانی مانند بالاسانیان و لینسکی، که هر دو فارغ‌التحصیلان هنرستان مسکو بودند، به ارکستری در سطح جهانی تبدیل شد. این ارکستر دارای چهل و دو نوازنده سازهای سنتی و غربی است. در بخش‌های زهی، بادی و ضربی ارکستر، سازهای سنتی و غربی نواخته می‌شود. تمام اعضای ارکستر از آموزش رسمی موسیقی بهره‌مند بوده‌اند. ارکستر قطعات محبوب آهنگسازان مشهور روس و سایر کشورهای اروپایی را نیز اجرا می‌کند. این ارکستر که در اصل برای رادیو و تلویزیون برنامه اجرا می‌کند، برخی اوقات در برابر مخاطبان به اجرای زنده نیز می‌پردازد. این ارکستر به دلایلی در شرایط نامساعدتری قرار داشته است. نخست، از آن جایی که این گروه به عنوان بخشی از سازمان رادیو و تلویزیون است، بودجه کمتری نسبت به گروه‌های هنری که از طرف وزارت فرهنگ حمایت می‌شوند، دریافت می‌کند. دوم، به دلیل تعداد زیاد اعضا، این ارکستر به طور معمول از تورهای خارجی حذف می‌شود و اعضای گروه فرصت سفر به خارج از کشور و اجرا برای مخاطبان خارجی را از دست می‌دهند. یک تور خارجی، به اعضا این فرصت را می‌دهد تا کار هنری خود را به مخاطبان جهانی ارائه کنند و از این طریق روحیه آنها تقویت خواهد شد.

چ- فیلارمونی دولتی

فیلارمونی در مرکز موسیقی باربد که ساختمانی باشکوه است، قرار گرفته است. فیلارمونی تاجیکستان در شهر دوشنبه محل استقرار و فعالیت گروه‌های رقص و موسیقی گوناگون بوده

است. این گروه‌ها شامل گروه موسیقی و رقص فولکلور گنجینه، اپرای گهواره و گروه زرافشان است.

ح- گروه موسیقی فولکلور گنجینه

گنجینه یکی از قدیمی‌ترین و محبوب‌ترین گروه‌های موسیقی تاجیکستان است. این گروه آوازهایی از کوه‌های تاجیکستان را اجرا می‌کند. همه سازهای سنتی تاجیک در این گروه نواخته می‌شود. مضمون آوازاها متفاوت است و از غزل تا فلک‌خوانی را شامل می‌شود. فلک‌خوانی ژانر بخصوص جالب توجهی است که در مراسم خاکسپاری و سایر مناسبت‌ها خوانده می‌شود. در این آوازاها فلک (جهان) مورد خطاب قرار می‌گیرد و مسئول مشکلات و مصایب زندگی خوانده می‌شود. این گروه بیست و پنج خواننده، نوازنده و رقصنده و نیز دوازده کارمند، شامل کارگردان و تکنیسین دارد (ناظم، ۱۳۷۲).

خ- اپرا و باله

اپرا و باله به وسیله روس‌ها در دهه ۱۹۳۰ به تاجیکستان معرفی شد. اولین اپرای تاجیک با نام شورش وسیع نوشته بالاسانین، در سال ۱۹۴۱ به روی صحنه رفت. اپراهای دیگری بر اساس شاهنامه فردوسی نوشته و در تئاتر اپرا، باله صدرالدین عینی اجرا می‌شد. این ژانرهای موسیقی و رقص در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به اوج رسید. ستاره‌های باله تاجیک، بخصوص در اتحاد شوروی و خارج از آن به شهرت رسیدند. ملکه صابراوا یکی از بالرین‌های تاجیکستان بود که موفق به دریافت جوایز معتبری از جشنواره‌ها و مسابقات بین‌المللی شد (رجب زاده، ۱۳۷۲). جنگ داخلی صدمه‌های زیادی به اپرا و باله وارد آورد.

بهترین خوانندگان اپرا و رقصندگان باله، اعم از تاجیک یا روس، به مسکو، اروپا و ایالات متحده مهاجرت کردند یا به مناطق دیگر کشور گریختند. آنچه در زیر آمده است نام تئاترهای اپرا باله در تاجیکستان است: اپرا باله صدرالدین عینی در دوشنبه، اپرا باله تحفه فاضل در شهر کانی بادام استان خجند، اپرا باله در منطقه ناو در استان خجند، اپرای روسی سعیدعلی ولی‌زاده در کولاب در استان ختلان، اپرای قرغان تپه در استان ختلان.

ادبیات

ادبیات کلاسیک فارسی، بخصوص شعر، همواره تأثیر عمیقی بر فرهنگ تاجیک داشته است. پس از انقلاب روسیه شعر فارسی مضمونی اجتماعی و انقلابی داشت. در دهه ۱۹۵۰، شعر مدرن فارسی از ایران و افغانستان به تاجیکستان رسید. در اوایل دهه ۱۹۶۰ شعر، تأثیر بیشتری بر ادبیات اجتماعی تاجیکستان باقی گذاشت. ادبیات اجتماعی تحت تأثیر شعرای ایرانی مانند نادرپور، بار فلسفی بیشتری گرفت. ادبیات روسی نیز تأثیر خود را بر ادبیات فارسی باقی گذاشت. «سوسیالیسم عامیانه» به مضمون معمول ادبیات تاجیک بدل شد. جنگ داخلی به شدت به ادبیات ضربه زد. شعر تنها ژانر باقیمانده است. به گفته استاد شکورف، رئیس کمیته واژگان آکادمی علوم، سایر ژانرهای ادبی مانند رمان و داستان کوتاه دیگر خلق نمی‌شود.

الف- کانون نویسندگان تاجیکستان

کانون نویسندگان تاجیکستان، همراه با سایر کانون‌های نویسندگان اتحاد شوروی، در سال ۱۹۲۷ توسط ماکسیم گورکی شکل گرفت. شعبه تاجیکستان، از طریق تلاش‌های گروهی از شخصیت‌های ادبی شامل صدرالدین عینی و تورسانزاده، تشکیل شد. شکل‌گیری تاجیکستان ارتباط نزدیکی با آغاز به کار این کانون دارد. در حقیقت، اگر به دلیل تلاش‌های این شخصیت‌های ادبی نبود، تاجیکستان هنوز بخش خودمختاری از جمهوری ازبکستان باقی می‌ماند.

هدف اصلی کانون از زمان شکل‌گیری، کشف جوانان با استعداد تاجیک و فراهم آوردن ابزارهای لازم برای پیشرفت آنها بوده است. این کانون، سال‌ها است که افراد جوان را از مناطق گوناگون به دوشنبه می‌آورد. برای آنها خانه و کار پیدا می‌کند و آنها را برای نویسنده و شاعری توانا شدن، یاری می‌دهد. کانون برای تشویق نویسندگان و تبلیغ فعالیت‌های ادبی، عناوین افتخاری را به افراد شایسته، اعطا می‌کند. نویسندگان سخت‌کوش و با استعداد عنوان «کارگر لایق فرهنگ» را دریافت می‌کنند. «نویسنده (یا شاعر) مردم تاجیکستان» بالاترین عنوان افتخاری است و به افرادی اعطا می‌شود که آثاری درخشان داشته باشند. کانون همچنین جایزه‌های ادبی سالانه‌ای را در دو گروه نثر و شعر اهدا می‌کند. جایزه صدرالدین عینی به

بهترین نثر یا ترجمه نثر و جایزه تورسانزاده به بهترین شعر یا ترجمه شعر اهدا می‌شود. برندگان این جایزه‌ها به وسیله هیئت داوران سیزده نفره‌ای از جمع مدیران کانون انتخاب می‌شوند. دولت نیز، جایزه‌های دو سالانه‌ای (که به نام رودکی خوانده می‌شوند) را در دسته‌های ادبیات، ادبیات کودکان، هنر و معماری اعطا می‌کند (حکیم، ۱۳۷۲).

ب- تئاتر

تئاتر در اواخر دهه ۱۹۵۰ به تاجیکستان آمد. اولین گروه دولتی تئاتر در سال ۱۹۲۹ در دوشنبه تشکیل شد. امروزه، یازده گروه دولتی تئاتر در کشور وجود دارد. تئاتر تاجیکستان که به طور عمیقی از مکتب استانیسلاوسکی تأثیر گرفته است، به بالاترین سطوح استانداردهای بین‌المللی دست یافت. تئاتر در تاجیکستان، همانند بقیه نقاط اتحاد شوروی، توسط مسکو حمایت می‌شد. هنرمندان تئاتر در استخدام رسمی دولت بودند و از تمام امتیازهایی که به جامعه هنری اهدا می‌شد، بهره می‌بردند.

تعدادی از گروه‌های مهم تئاتر تاجیکستان عبارتند از: تئاتر ملی تاجیک در دوشنبه، گروه تئاتر آهارون در دوشنبه، تئاتر دولتی کمال خجندی در خجند، تئاتر کمدی و موزیکال رودکی در شهر خاروق، تئاتر دراماتیک در قرقان تپه در استان ختلان (قاسم، ۱۳۷۵). همچنین گروه‌های تئاتری وجود دارند که نمایشنامه‌های روسی را به روی صحنه می‌برند. گروه‌های مایاکوسکی در دوشنبه و پوشکین در خجند، دو نمونه از چنین گروه‌هایی هستند. همه کارگردانان و بازیگران این گروه‌ها روس نیستند. در واقع، اعضای آنها بیشتر تاجیک‌اند (قادر، ۱۳۷۲).

پ- کانون هنرمندان (تئاتر)

این کانون سی سال پیش از فروپاشی اتحاد شوروی تأسیس شد. کانون یک رئیس و دو معاون دارد. آنها هر پنج سال به وسیله فرستاده‌هایی که نمایندگی تئاترهای جمهوری و دانشکده‌های هنر دانشگاه دولتی را بر عهده دارند، انتخاب می‌شوند. برخلاف سایر سازمان‌های مشابه در تاجیکستان و سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی، این کانون از نظر مالی و اداری مستقل از دولت است. این کانون دارای کارخانه‌ها، مزارع، تعاونی‌ها و شرکت‌های دیگر در کل کشور و نیز امکانات پخش کتاب است. حتی مرکز فعلی کانون تحت مالکیت سازمان قرار

دارد. یک ساختمان بیست ساله در مرکز شهر دوشنبه که در گذشته، مرکز حزب کمونیست بوده است، محل استقرار کانون است (محمد جانف، ۱۳۷۲).

ت- سینما

ورود سینما به تاجیکستان به سال ۱۹۲۹ و رسیدن واسیلی کوزی از تاشکند به این کشور باز می‌گردد. سینما زیر نظارت کمیته‌ای مستقل از وزارت فرهنگ قرار داشت. این کمیته همانند یک وزارتخانه کار می‌کند و بودجه مستقل دارد. این کمیته یک شورای هنری داشت که فیلم‌هایی را سفارش می‌داد و اغلب عنوان و مضمون آنها را نیز تعیین می‌کرد. این فیلم‌ها شامل فیلم‌های مستند و هنری می‌شد. این تنها رویه موجود نبود. فیلم‌سازان می‌توانستند پیشنهادهای خود را ارائه دهند. کانون هنرمندان سینمای تاجیکستان در ساختمان فیلارمونی در دوشنبه قرار گرفته است. دولت خدانظر تا سال ۱۹۹۰، هنگامی که به عنوان رئیس کانون هنرمندان سینمای اتحاد شوروی برگزیده شد، اولین دبیر کانون بود. صنعت فیلم تاجیک در جریان جنگ داخلی متحمل ضربه شدیدی شد. هیچ فعالیت فرهنگی یا هنری دیگری دچار چنین ضربه‌ای نشد. می‌توان گفت این صنعت به طور کامل نابود شد و تنها ۱۴ درصد از آن باقی ماند. استودیوها غارت و امکانات آنها نابود شد. بازیگران، کارگردانان و تکنیسین‌ها یا کشته یا مجبور به ترک کشور شدند.

ث- آکادمی علوم

آکادمی علوم تاجیکستان در سال ۱۹۵۱ تشکیل شد، اما تاریخچه آن به سال ۱۹۳۲ یعنی هنگامی که به عنوان بخش تاجیکستان آکادمی علوم اتحاد شوروی بازگشایی شد، باز می‌گردد. این آکادمی در سال ۱۹۴۱ به شعبه رسمی آکادمی علوم شوروی ارتقا یافت. آکادمی علوم تاجیکستان دو قسمت دارد که در آن نوزده مؤسسه پژوهشی فعالیت دارند (شکورف، ۱۳۷۲).

دانشگاه‌ها

دانشگاه دولتی تاجیکستان

دانشگاه دولتی که در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد، چهارده گروه علمی و مرکز دارد. فیزیک و مکانیک، ریاضیات، شیمی، بیولوژی، زمین‌شناسی، تاریخ، زبان و ادبیات تاجیک، زبان و ادبیات

روسی، زبان‌های شرقی، حقوق، اقتصاد (سه دانشکده) و دانشکده‌ای برای دانشجویان خارجی. این دانشگاه همچنین یک قسمت مقدماتی برای دانشجویان خاص دارد (رحمان، ۱۳۷۲).

مرکز زبان، ادبیات و خط نیاکان

این مرکز، به مطالعه پیشرفته زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی و فارسی می‌پردازد و درس‌هایی درباره زبان پهلوی، فارسی و ادبیات فارسی ارائه می‌دهد. از آن جایی که در سال ۱۹۸۹ الفبای عربی تبدیل به خط رسمی شد، این مرکز درس‌هایی در مورد نگاشتن به «خط نیاکان» نیز ارائه می‌دهد. کرسی زبان پهلوی اندکی قبل از سال ۱۹۸۹ تأسیس شد (کریمف، ۱۳۷۲).

دانشگاه تربیت معلم قندیل جورایف

این دانشگاه که در سال ۱۹۳۱ به عنوان یک مدرسه تربیت معلم تأسیس شد اکنون دارای ده دانشکده است: زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات روسی، تاریخ، جغرافیا، بیوشیمی، فیزیک، ریاضیات، زبان‌های خارجی، علوم تربیتی و علوم صنعتی. یک هزار مربی و استاد در این دانشگاه مشغول تدریس هستند. تعلیم به زبان فارسی، روسی و ترکی (ازبکی) انجام می‌گیرد. دانشگاه در سال ۱۹۹۱ به نام قندیل جورایف تغییر نام یافت (رحمان، ۱۳۷۵).

مطالعات فولکلور

مطالعات فولکلور جایگاه ویژه‌ای در تاجیکستان دارد. این مطالعات به طور سنتی در مؤسسه زبان و ادبیات رودکی آکادمی علوم صورت می‌گیرد. این مؤسسه بخش‌هایی دارد که در این حوزه تحقیق می‌کند. پژوهشگران مؤسسه، سه ماه از سال را به روستاها و شهرهای کشور می‌روند و برنامه ضبط می‌کند.

بخش بزرگی از پژوهش آنها در بین تاجیک‌های ساکن ازبکستان صورت گرفته است. (تعداد بسیار زیادی از ساکنان شهرهای سمرقند، بخارا و روستاهای آن منطقه از ازبکستان، با وجود آنکه به طور رسمی ازبک به شمار می‌آیند، تاجیک‌اند. در حقیقت، تعداد تاجیک‌های ساکن ازبکستان از تاجیک‌های ساکن تاجیکستان بیشتر است). حاصل این پژوهش بیش از

۳۰۰ هزار صفحه مطلب است که بخشی از آن در دو نسخه، یکی برای عموم و دیگری برای متخصصان، منتشر شده است (عمیدف، ۱۳۷۲).

موزه‌ها

موزه هنر و تاریخ بهزاد که در سال ۱۹۳۴ در شهر دوشنبه تأسیس شد، مهم‌ترین موزه تاجیکستان است. ساختمان موزه یکی از دیدنی‌های معماری دوشنبه است، اما آنچه درون موزه قرار دارد، به ارزشمندی ظاهر آن نیست. این موزه، همانند همه موزه‌های واقع در پایتخت‌های جمهوری‌های شوروی، شامل این بخش‌ها است: تاریخ طبیعی، تاریخ جمهوری، براساس تفسیر استاندارد سوسیالیستی که از طرف مسکو اعلام می‌شد، و مجموعه آثار هنری. در این موزه ۵۷ هزار اثر به نمایش در آمده است. به غیر از نمونه‌هایی از سنگ و حیات وحش منطقه، تعداد آثار هنری اصلی که در این موزه به نمایش در آمده اندک است. آثار این موزه اغلب کپی آثار اصلی که در موزه‌های مسکو، لنینگراد یا تاشکند نگهداری می‌شود است (رجب زاده، ۱۳۷۲).

جمع‌بندی و نتیجه

از دیرباز آسیای مرکزی یکی از مراکز مهم فرهنگ و تمدن بشری به شمار می‌آمده است و ویژگی مهم آن به هم تنیدگی اقوام، مذاهب و ملیت‌های گوناگون بوده است. در این منطقه شهرنشینی و تمدن در کنار چادرنشینی و صحراگردی وجود داشته و بر یکدیگر اثر گذارده‌اند. تاجیکان (ایرانیان) سهم بنیادی در ایجاد این تمدن داشته‌اند و شکوفایی فرهنگی و تمدنی این منطقه مدیون آنان بوده است. زبان و ادب پارسی نقش برجسته‌ای در رشد و نمای این تمدن داشته و در کنار آموزه‌های اسلامی و هنر و معماری سرزمین‌های همسایه، تنوع کم نظیری به آن بخشیده است.

سلطه روس‌ها بر منطقه زمانی رخ داد که این منطقه دوران افول فرهنگی را می‌گذراند. این سلطه، بخصوص در دوران هفتاد ساله اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تأثیری انکارناپذیر بر فرهنگ و هنر این منطقه گذارد. فرهنگ و هنر مرتبط با دین، از خوشنویسی گرفته تا معماری مساجد و مدرسه‌ها، در این دوره آسیب جدی دید و برخی ژانرهای هنری آن به کلی

از میان رفت. تغییر خط رسمی از عربی به سیریلیک در دهه ۱۹۳۰، باعث شد تا ارتباط مردم این منطقه با گذشته و هویت تاریخی آنان قطع شود.

از سوی دیگر، حمایت گسترده دولتی در سطح یک امپراتوری، برنامه‌ریزی، تأمین بودجه و راهبری فعالیت‌های فرهنگی و هنری سبب شد تا این گونه فعالیت‌ها فرصت رشد و بالندگی یابند و به درجات عالی برسند. مطالعات فولکلور در اتحاد شوروی به طور جدی مورد توجه بود و بدین ترتیب انواع هنرهای مردمان دشت‌ها و کوهستان‌های دورافتاده ثبت و ترویج شد و مورد حمایت قرار گرفت. در دوره اتحاد شوروی، فرهنگ و هنر اروپایی نیز به منطقه وارد شد. جوانان منطقه برای فراگیری تئاتر، اپرا، باله، سینما و موسیقی کلاسیک غربی به مدارس و هنرکده‌های مسکو و سن پترزبورگ اعزام شدند.

این گونه مراکز در خود منطقه نیز تأسیس شد و گسترش یافت. ایجاد وزارتخانه‌ها و ادارات و نهادهای ویژه نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی و هنری خود سبب ترویج نظام‌مند فرهنگ و هنر شد. یکی از ویژگی‌های این نهادها، از وزارت فرهنگ تا فیلامونی دولتی تا مرکز پژوهش‌های فولکلور، این بود که اکثر مدیران، کارمندان و دست‌اندرکاران این نهادها خود هنرمندان و اهل فرهنگ و ادب بودند.

این نیز ویژگی است که در کمتر جای دنیا دیده شده است. اما کلیه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و حتی علمی در اتحاد شوروی در خدمت مرام مارکسیسم بود. طبیعی است که هنرهای انتزاعی مانند موسیقی کلاسیک غربی و باله و تکنوازی بنا به ماهیت خود کمتر در بند مرام رسمی حکومتی قرار می‌گرفت.

اما فعالیت‌های فرهنگی و هنری از قبیل تئاتر و رمان و نیز پژوهش‌های علمی مانند فولکلور و تاریخ‌نگاری به طور مستقیم از ایدئولوژی حکومت تأثیر می‌پذیرفتند و در بند آن بودند. برای جمهوری‌های دورافتاده و فقیری مانند تاجیکستان، حمایت مالی و مدیریتی مسکو نقش و اهمیتی حیاتی داشت و در نتیجه می‌توان ادعا کرد که باعث ارتقای سطح فرهنگ و هنر در آن منطقه شد.

آوردن برخی جنبه‌های فرهنگی و هنری غربی و تلفیق آن با فرهنگ و هنر بومی نیز در این اعتلای فرهنگی سهم داشت. تاجیکستان فقیرترین جمهوری به جا مانده از اتحاد جماهیر شوروی است. سامانه مدیریت و راهبری فرهنگ و هنری که روس‌ها ایجاد کردند در آن پا بر جا است. اما نبود حمایت مسکو و قطع پشتیبانی مالی گسترده گذشته، فعالیت‌های فرهنگی و هنری

را بسیار محدود کرده است و توان مالی دولت تاجیکستان نیز امکان چنین حمایتی را نمی‌دهد. در چنین وضعیتی کاهش این گونه فعالیت‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

منابع و ماخذ:

الف - فارسی

۱. بکت آوا، لایلا (۱۳۷۳/۳/۱۸)، رئیس رادیو و تلویزیون دولتی قزاقستان، **مصاحبه حضوری**، آلماتی.
۲. حکیم، عسگر (۱۳۷۲/۸/۱۷)، رئیس اتحادیه نویسندگان تاجیکستان، **مصاحبه حضوری**، دوشنبه.
۳. رحمان، روشن (دوشنبه ۱۳۷۲/۸/۱۵ و تهران ۱۳۷۵/۷/۱۲) سردبیر نشریه مردم‌گیاه و عضو گروه فولکلور دانشگاه تاجیکستان، **مصاحبه حضوری**.
۴. رجب اف، عزیز مراد (۱۳۷۲/۸/۱۲)، مدیر مرکز تولیدات خلقی تاجیکستان، **مصاحبه حضوری**، دوشنبه.
۵. رجب زاده، عسگر علی (۱۳۷۲/۸/۱۴ و ۱۳)، فیلامونی دولتی تاجیکستان، **مصاحبه حضوری**، دوشنبه.
۶. شکورف، محمد جان (۱۳۷۲/۸/۱۳)، رئیس کمیته واژگان و عضو برجسته آکادمی علوم تاجیکستان، **مصاحبه حضوری**، دوشنبه.
۷. طالب (۱۳۷۲/۸/۱۷)، معاون وزارت فرهنگ تاجیکستان، **مصاحبه حضوری**، دوشنبه.
۸. عثمانف، براهیم کنجائویچ (۱۳۷۲/۸/۱۴)، معاون اول کمیته رادیو و تلویزیون دولتی تاجیکستان، **مصاحبه حضوری**، دوشنبه.
۹. عمیدف، روزی (۱۳۷۲/۸/۱۹)، استاد فولکلور دانشگاه تاجیکستان، **مصاحبه حضوری**، دوشنبه.
۱۰. قادرف، الف (۱۳۷۲/۸/۱۷)، رئیس تئاتر دولتی جوانان تاجیکستان، **مصاحبه حضوری**، دوشنبه.
۱۱. قائم دادف، قاضی دولت (۱۳۷۲/۸/۱۴)، معاون اقتصادی رئیس جمهور تاجیکستان، **مصاحبه حضوری**، دوشنبه.
۱۲. قاسم، فرخ (دوشنبه ۱۳ و ۱۳۷۲/۸/۱۹ و تهران ۱۳۷۵/۸/۲۱) رئیس و کارگردان گروه تئاتر اهارون، **مصاحبه حضوری**.
۱۳. کاسینف، دیوسن (۱۳۷۳/۳/۱۹)، رئیس کتسرواتوار دولتی کورمانگازی قزاقستان، **مصاحبه حضوری**، آلماتی.

۱۴. کریمف، اردشیر (۱۳۷۲/۸/۱۹)، استاد زبان پهلوی مرکز فولکلور دانشگاه تاجیکستان، مصاحبه حضوری، دوشنبه.

۱۵. محمدجانف، عطا (۱۳۷۲/۸/۲۰)، رئیس اتحادیه بازیگران تئاتر تاجیکستان، مصاحبه حضوری، دوشنبه.

۱۶. ناظم، ظفر (۱۳۷۲/۸/۱۴)، رئیس گروه موسیقی فولکلور گنجینه، مصاحبه حضوری، دوشنبه.

ب- انگلیسی

1. Lewis, Robert A., Rowland, Richard H. Rowland and, Ralph S.Clem (1975), "Modernization, Population Change and Nationality in Soviet Central Asia and Kazakhstan", **Canadian Slavonic Papers**, No.17.
2. Lapidus, Ira. M. (1989), **A History of Islamic Societies**, Cambridge: University Press.